خاطره‌بازی با مینا جعفرزاده، بازیگر سریال‌های ماندگار تلویزیون؛

جلوی اکبر عبدی کم نمی‌آوردم

زهرا صلواتی
روزنامه‌نگار

مینا جعفرزاده در دهه ۷۰ از بازیگران پرکار تلویزیون بود و مخاطبان قاب کوچک نقش‌آفرینی‌های او را در سریال‌های خاطره‌انگیزی از جمله گالش‌های مادربزرگ، عطر گل یاس، خاله خانم، هتل پیاده‌رو، تفنگ سرپر، زیر آسمان شهر ۲، خاتون رسم عاشقی و... به یاد می‌آورند. جعفرزاده که کارمند بازنشسته رادیوست و همسر زنده‌یاد بهمن زرین‌پور، بسیاری از بازی‌های به یاد ماندنی‌اش را در سریال‌هایی به یادگار گذاشته که کارگردانی این آثار بر عهده همسر مرحومش بوده‌است. با این حال، بسیاری از بینندگان تلویزیون همچنان این بازیگر پیشکسوت را با نقش‌آفرینی‌اش در سریال «خاله خانم» و در قالب کاراکتر خاله جان به یاد می‌آورند. بده بستان‌های کلامی و کل‌کل‌های خاله جان و خواهرزاده‌اش، همایون (با بازی اکبر عبدی) همچنان پس از گذشت سال‌ها جذاب و جالب به نظر می‌رسد.







این روزها خبری از شما نیست! خوانندگان علاقه‌مندند بدانند این روزهای خانم جعفرزاده چطور سپری می‌شود؟

فعلا که با مریضی سر و کار دارم. به هر حال، سن که بالا می‌رود مشکلات جسمانی هم شروع می‌شود.

اما شما در دهه ۷۰ جزو بازیگران پرکار تلویزیون بودید و در یک دهه گذشته خیلی کم‌کار شده‌اید. دلیل آن چیست؟

گاهی قصه‌ها را دوست ندارم. بعضی مواقع هم کارگردان را نمی‌شناسم یا مثلا با تهیه‌کننده آشنایی ندارم. کار کردن برای بازیگرانی به سن و سال من سخت شده‌است. جان‌مان را کف دست‌مان می‌گیریم و کار می‌کنیم. خودم هر کاری را نمی‌توانم قبول کنم. مثلا از پله بالا رفتن برایم سخت شده‌است. محدودیت جسمانی دارم و سر هر کار یالوکیشنی نمی‌توانم بروم.

در خانه که هستید چقدر از وقت‌تان را به دیدن تلویزیون اختصاص می‌دهید؟

اخبار را از تلویزیون پیگیری می‌کنم اما بیشتر وقتم صرف مطالعه و نوشتن می‌شود. البته از آنجا که نویسنده نیستم، بیشتر نوشته‌هایم سرانجام پیدا نمی‌کند. اوقات فراغتم را هم با فرزندانم می‌گذرانم. به آشپزی و شیرینی‌پزی هم خیلی علاقه دارم.

شما به ویژه در دهه ۷۰ در سریال‌های ماندگار و خاطره‌انگیزی مثل عطر گل یاس، آوای فاخته، خاله خانم، هتل پیاده‌رو و... بازی کرده‌اید. خودتان کدام یک از این سریال‌ها را بیشتر دوست دارید؟

سریال «خورشید خانم» را خیلی دوست دارم و دلم می‌خواهد دوباره تماشایش کنم. یک تله‌فیلمی هم بازی کردم به نام «مرثیه‌ای برای مرتضی» که خبر دارم بارها بازپخش شده اما از شانس بد، خودم یک‌بار هم نتوانسته‌ام تکرارش را ببینم. این تله‌فیلم را هم خیلی دوست دارم.

یکی از سریال‌های خاطره‌انگیزتان خاله خانم به کارگردانی مرحوم منوچهر پوراحمد است. آیا پیش آمده که پس از گذشت سال‌ها مردم همچنان شما را با این نقش به یاد بیاورند و خاله خانم صدایتان بزنند؟

مردم از کوچک و بزرگ و پیر و جوان همیشه نهایت محبت را به من داشته‌اند. مخصوصا وقتی جوان‌ها جلویم می‌آیند و ابراز محبت می‌کنند واقعا برایم عجیب است. حتی آنها هم سریال‌های قدیمی را دیده‌اند و گاهی نام کارهایی را به زبان می‌آورند که خودم یادم نمی‌آید کی بازی کردم و قصه‌اش چه بوده‌است! نهایت قدردانی را از مردم دارم. خودم زیاد از خانه بیرون نمی‌روم اما معمولا هنوز درباره سریال خاله خانم با من حرف می‌زنند. البته به سلیقه‌ها هم بستگی دارد. مثلا یکی از تفنگ سرپر می‌گوید، یکی هم درباره سریال زیر آسمان شهر صحبت می‌کند و یکی هم سریال رسم عاشقی را بیشتر دوست داشته‌است. نظرات و سلیقه‌ها متفاوت است.

دو سریال عطر گل یاس و آوای فاخته با بازی شما به شکل پشت سر هم از تلویزیون پخش شد که با استقبال فوق‌العاده مردم همراه بود. به نظرتان این دو سریال چه داشتند که تا این حد مورد اقبال قرار گرفتند و حتی نسل‌های جدید بینندگان تلویزیونی هم این آثار را دوست دارند؟

قصه‌های خوبی داشتند و حرف‌های جدیدی می‌زدند. مردم دوست دارند خانواده‌های ایرانی را در سریال‌ها ببینند. هنوز هم مناسبات و روابطی که در خانواده‌ها برقرار است، قابلیت نمایش در سریال‌ها را دارد. مردم هم از این نوع آثار استقبال می‌کنند. این دو سریال ساخته همسرم بهمن زرین‌پور است. پشتکار و انگیزه‌اش را در کار می‌دیدم. همه افرادی که در این سریال‌ها حضور داشتند و فعالیت می‌کردند، واقعا مثل یک خانواده بودند. خاطرات خیلی خوبی از عطر گل یاس و آوای فاخته دارم، به ویژه که آن زمان همسرم هم زنده بود.

شما نه فقط در عطر گل یاس و آوای فاخته که در سریال‌های دیگر همسرتان مرحوم زرین‌پور هم بازی داشته‌اید. سریال‌هایی مثل گالش‌های مادربزرگ، این جهان وارونه، هتل پیاده‌رو و حامی. از این نظر، شاید بتوان گفت که همسر یک کارگردان بودن برایتان خوش‌شانسی آورده و این فرصت را فراهم کرده که بتوانید در سریال‌های جذابی بازی کنید. موافق این موضوع هستید؟

همسرم اعتقاد داشت نقش باید برای بازیگر مناسب باشد. در غیر این صورت، محال بود زیر بار برود و نقشی را به بازیگری که مناسب تشخیص نمی‌داد، بسپارد. برای مثال، در سریال آوای فاخته بازیگران جوان بسیاری آمدند و برای نقش دختر قهرمان قصه تست دادند اما آقای زرین‌پور موافقت نمی‌کرد. در نهایت، با پیشنهاد آقای عبدا... اسکندری قرار شد نقش را دختر خودمان بازی کند. بالاخره همسرم بعد از تست گرفتن رضایت داد و دخترم نقش را بازی کرد.

به نظرتان زن و شوهر بودن بازیگران و هنرمندان می‌تواند در کارشان موثر باشد و باعث پیشرفت حرفه‌ای‌شان شود؟

حتما می‌تواند تاثیر داشته باشد. من از سنین پایین در رادیو کار می‌کردم. وقتی کارم تمام می‌شد و به خانه می‌آمدم، خانم خانه‌دار می‌شدم. دوست داشتم به زندگی‌ام، همسرم، فرزندانم و خانواده‌ام رسیدگی کنم. هر کاری که از دستم برمی‌آمد کوتاهی نمی‌کردم. مدل زندگی‌ام با زن‌های معمولی تفاوتی نداشت. وقتی در خانه بودم کاملا رفتارهای یک زن خانه‌دار را داشتم. کارم را از زندگی شخصی جدا کرده بودم.

قبل از سریال خاله خانم بیشتر نقش‌هایی که بازی کرده بودید شکل جدی داشت. چه شد که مرحوم پوراحمد شما را برای ایفای نقش خاله خانم انتخاب کرد؟

با آقای اکبر عبدی رفت و آمد خانوادگی داشتیم. آقای عبدی با روحیات و علاقه‌ام به طنز آشنا بود و مرا به آقای پوراحمد معرفی کردند. اتفاقا در زمان بازی از همین ویژگی‌های خودم در طنز استفاده کردم و بسیاری از دیالوگ‌هایی که به ویژه در برابر آقای عبدی داشتم، بداهه بود. اگر آقای عبدی فی‌البداهه چیزی می‌گفت کم نمی‌آوردم و دنباله‌اش را می‌رفتم. مرحوم پوراحمد هم دست ما را در بداهه‌گویی باز گذاشته بود.

خودتان بیشتر علاقه‌مند هستید که نقش‌های مثبت بازی کنید یا منفی؟

در این سال‌ها هرچه به کارگردانان گفتم نقش منفی به من بدهید گوش نکردند. نقش منفی به من پیشنهاد نمی‌شود. می‌گویند نقش منفی به شما نمی‌آید اما خودم به عنوان یک بازیگر همیشه دوست داشتم نقش منفی هم بازی کنم. می‌خواهم ببینم اصلا از پس نقش‌های منفی برمی‌آیم. (می‌خندد)

چقدر در روند بازیگری‌تان تلاش داشته‌اید تا کلیشه‌ها را بشکنید و فرم و شکل جدیدی از یک شخصیت را ارائه دهید؟

اول قصه را می‌خوانم و می‌فهمم، بعد سعی می‌کنم از همبازی‌هایم شناخت پیدا کنم که در بازیگری خیلی اهمیت دارد. بده‌بستان‌های کلامی و رفتاری با همبازی باید درست از آب دربیاید که در سریال چادر گلدار، خانم مهتاج نجومی، پارتنر خیلی خوب و همراهی بودند. در مجموع، هیچ عاملی به اندازه قصه اهمیت ندارد. مثلا من دو سه کار داشته‌ام که نقش یک فرد آلزایمری را بازی کرده‌ام یا مثلا نقش یک نابینا را. سعی می‌کنم در انتخاب نقش، وسواس داشته‌باشم و نقش‌های متفاوتی را انتخاب کنم. گاهی کمدی بازی می‌کنم، گاهی هم یک نقش درام را.

نگاهی به سابقه بازیگری شما نشان می‌دهد معمولا نقش‌های تان را با وسواس انتخاب می‌کنید. آخرین کاری که مخاطبان از شما در تلویزیون دیده‌اند، شخصیت مامان پری در سریال چادر گلدار بود که در این مجموعه نقش یک مادربزرگ مهربان را به عهده داشتید. تا چه میزان این نقش برایتان نزدیک بود؟

در زندگی شخصی هم برای نوه‌ام خیلی ارزش قائلم و برایم شیرین است. در این سریال هم مامان پری به عنوان یک مادربزرگ، سرپرستی نوه را برعهده دارد. این مادربزرگ همه جوره پشتیبان نوه‌اش است تا گرفتار نشود. وقتی قصه سریال را برایم تعریف کردند، همین نقش برجسته مادربزرگ در زندگی نوه‌اش برایم جذاب و دلچسب بود.

معمولا شخصیت مادربزرگ در سریال‌های تلویزیونی زنانی آرام، گوشه‌نشین و حتی منفعل هستند اما مامان پری یک زن فعال، اجتماعی و حامی است. همین شاخصه، مامان پری را از بسیاری مادربزرگ‌های تلویزیونی متفاوت می‌کرد. این تفاوت برای خودتان چقدر اهمیت داشت و جذاب بود؟

دوست ندارم نقش‌هایم به هم شبیه باشند و همین خصوصیتی که اشاره کردید، مامان پری را از سایر کارهایم متفاوت می‌کرد. انگیزه باعث می‌شد این پیرزن قدرت بگیرد و در آن شرایط سخت به دنبال کارهای نوه‌اش باشد. ایفای این نقش برای خود من هم کار آسانی نبود. در گرمای مردادماه در خیابان بودیم و پاها و کفش‌هایم را خیس می‌کردم تا بتوانم گرما را تحمل کنم.

مرور برخی نقش‌های تلویزیونی



۱۳۹۹ چوب‌خط

۱۳۹۷ زندگی از نو

۱۳۹۳ نیلی‌تر از مهتاب

۱۳۹۲ هفت‌سنگ

۱۳۹۱ روز عزیز



۱۳۹۰ شوق پرواز

۱۳۸۹ ستاره باران

۱۳۸۸ بانو